

جایگاه اقتصادی زنان ترکمن شمال خراسان در دوره قاجاریه با تأکید بر نمونه موردی فرش ترکمنی

چکیده

قبایل ترکمن شمال خراسان، در شمال و شمال غرب بجنورد در مناطقی چون جرگلان، مانه و سملقان سکونت داشتند. از میان این قبایل (تکه، یموت و گوکلان)، گوکلان‌ها خیلی پیش‌تر از بقیه ترکمانان به یکجانشینی و زراعت روی آوردند اما بقیه آن‌ها به تدریج و براساس یکسری مقتضیات، سبک زندگی خویش را تغییر دادند. در میان قبایل ترکمن، عمده فعالیت‌های مردان، محدود به امور جنگی، شکار، تفریح و پرورش اسب بود؛ درحالی‌که فعالیت‌های مربوط به خانه و دام، در کنار کارهایی چون قالی‌بافی، نمدبافی و ... برعهده زنان بود و مردان هیچ مشارکتی در این امور نداشتند. فرش‌های ترکمنی از مهم‌ترین کالاهایی بود که توسط زنان ترکمن با نقش و نگار جذاب و زیبا بافته و برای فروش به بازار عرضه می‌شد. سؤال اصلی این است که زنان ترکمن، چه فعالیت‌های اقتصادی را انجام می‌دادند و از چه جایگاه اقتصادی در میان قبایل ترکمن برخوردار بودند؟ پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از نقش محوری زنان ترکمن دوره قاجار در اقتصاد به ویژه فرش‌بافی بوده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی نقش زنان ترکمن در اقتصاد شمال خراسان در دوره قاجاریه.

۲. بررسی نقش زنان در فرش‌بافی ترکمن.

سؤالات پژوهش:

۱. زنان ترکمن چه نقشی در اقتصاد شمال خراسان در دوره قاجار داشتند؟

۲. زنان ترکمن چه نقشی در صنعت فرش‌بافی داشته‌اند؟

کلیدواژه‌ها: جایگاه اقتصادی زنان، قبایل ترکمن، خراسان شمالی، دوره قاجار، فرش ترکمن.

مقدمه

درخصوص وضعیت زنان در جامعه ایران دوره قاجار، در ابتدا می‌بایست میان شرایط زنان ایلپاتی و روستائی با زنان شهرنشین تفکیک قائل شده و سپس به صورت جداگانه هر کدام را مورد بحث و بررسی قرار داد (شیل، ۱۳۶۲: ۸۷-۸۸؛ کارلاسرنا، ۱۳۶۳: ۳۰۵-۳۰۶). در دوره مذکور برخلاف زنان شهرنشین، زنان ایلپاتی و روستائی نقش مهمی در فعالیتهای اقتصادی داشتند و در میان برخی از قبایل، بیشتر از مردان به تلاش و فعالیت می‌پرداختند.

قبایل ترکمن شمال خراسان، در شمال و شمال غرب بجنورد در مناطقی چون جرگلان، مانه و سملقان سکونت داشتند. طوایفی از ایل گوکلان و تکه در مانه و سملقان، و در جرگلان، قبایلی از ایل نخورلی زندگی می‌کردند. از میان آن‌ها گوکلان‌ها خیلی پیش‌تر از بقیه ترکمنان به یکجانشینی و زراعت روی آوردند اما بقیه آن‌ها به تدریج و براساس یکسری مقتضیات، سبک زندگی خویش را تغییر دادند. در میان قبایل ترکمن، عمده فعالیت‌های مردان محدود به امور جنگی، شکار، تفریح و پرورش اسب بود؛ درحالی‌که فعالیت‌های مربوط به خانه و دام، در کنار کارهایی چون قالی‌بافی، نم‌دبافی و ... برعهده زنان بود و مردان هیچ مشارکتی در این امور نداشتند. این زنان، مهارت بسیاری در قالی‌بافی داشتند و این کالا یکی از اقلام صادراتی این دوره بود، علاوه بر قالی‌بافی، در برپاکردن آلاچیق و نم‌دبافی که به نظر کاری مردانه به حساب می‌آمد، نقش اصلی را برعهده داشته و مردان در انجام آن امور، هیچ نقشی نداشتند. درواقع، آن‌ها یک عنصر پویا و خستگی‌ناپذیر در جهت احیا و تحرک قبیله به حساب می‌آمدند، لذا به لحاظ نقشی که در میان قبایل ایفا می‌کردند اهمیت فراوانی داشتند، در نتیجه، در میان قبایل ترکمن هم از آزادی بیشتری برخوردار بودند و هم ارزش بیشتری برای آن‌ها قائل بودند. بر طبق آداب و رسوم قبایل ترکمن در هنگام ازدواج، مرد موظف بود شیربها متناسبی را برای تشکیل زندگی، در اختیار خانواده دختر قرار دهد.

باتوجه به انجام فعالیت‌های مذکور از جانب زنان ترکمن در منطقه شمال خراسان، نقش آنان در دوره مذکور کم‌تر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و با استفاده از منابع اصلی، و بر پایه مطالب مندرج در سفرنامه‌های خارجی، به نگارش درآمده است. از میان سفرنامه‌ها، می‌بایست به سفرنامه فریزر^۱ و سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه اثر وامبری

^۱ . فریزر به عنوان یک اسکاتلندی دوبار در دوران فتحعلی‌شاه به ایران آمد. در مرتبه اول سال ۱۸۲۱م/ ۱۲۳۶ق وارد ایران شد و از منطقه خراسان هم دیدن نمود اما چون به هدف خود نرسید، به اروپا بازگشت. فریزر در مرتبه دوم، سال ۱۸۳۳م/ ۱۲۴۷ق در سن پنجاه سالگی مجدداً به خراسان وارد شد و پس از بازدید از منطقه شمالی ایران و رفتن به تبریز، به زادگاه خود بازگشت. وی جزء محدود سیاحانی است که دوبار و به فاصله دوازده سال از خراسان و منطقه شمال خراسان بازدید نمود. فریزر به تغییراتی که در این منطقه روی داده بی‌توجه نبوده و سعی کرده تا شرایط خاص این دوره را در گزارش خود تشریح کند. پس از وقفه‌ای دوازده ساله که وارد خراسان می‌شود شاهد اوضاع خراب و نابسامان منطقه شده و در موارد متعدد به کمی جمعیت، روستاها و دهکده‌های ویران، گدایان

سیاح مجار (۱۸۳۲-۱۹۱۳)^۲، اشاره کرد که هر دو کتاب پیش از پیمان آخال (۱۲۶۰ش/۱۸۸۱م)، به نگارش درآمده‌اند. در عین حال، کتاب دوم با تفصیل بیشتری به شرح آداب و رسوم قبایل ترکمن پرداخته است.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. با این حال آثاری به بررسی نقش زنان در اقتصاد مناطق ترکمن پرداخته‌اند. بردی و مردادنژاد (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحولات اجتماعی ۵۰ سال اخیر در بین عشایر ترکمن (مطالعه موردی: بندر ترکمن) به نقش اجتماعی و اقتصادی زنان در این منطقه نیز اشاره کرده است. جرجانی (۱۳۸۲) در کتابی با عنوان «زن ترکمن: پژوهشی در نقش زنان ترکمن در ساختار اجتماعی- اقتصادی جامعه ایل‌نشین» به نقش محوری زنان در اقتصاد ترکمن‌ها پرداخته است. در آثار ذکر شده به‌صورت مستقل به نقش زنان ترکمن شمال خراسان دوره قاجاریه پرداخته نشده است لذا در پژوهش حاضر به این مسئله پرداخته می‌شود.

نتیجه‌گیری

طبق دیدگاه ابن‌خلدون، در اجتماع بادیه‌نشین و کوچ‌رو، کسب ضروریات اولیه در اولویت قرار دارد و از جهت شیوه معیشت، از این مرحله فراتر نمی‌رود. در میان ترکمنان نیز شیوه معاش به این شکل بود و در تهیه و فراهم آوردن ضروریات اولیه برای بقای یک قبیله، زنان نقش اصلی و محوری را برعهده داشتند. پس از اسکان ترکمنان گوکلان در شمال خراسان و روی آوردن آن‌ها به کشاورزی، باز هم از نقش و فعالیت زنان کاسته نشد و نقش محوری در اقتصاد خانوار داشتند. در کنار تولید محصولات لبنی که با استفاده از ابزار اولیه مهیا می‌شد، زنان ترکمن در تولید صنایع دستی همچون قالی‌بافی، گلیم‌بافی، نم‌بافی و ... تبحر ویژه‌ای داشتند.

قالی ترکمنی در دوره قاجار برای فروش به بازار مشهد روانه می‌شد، اما در اواخر دوره ناصری و پس از سلطه اقتصادی روس‌ها بر خراسان، این محصول توسط تجار روس به اروپا صادر می‌شد. فرش در فرهنگ ترکمن، ریشه در زندگی و بقایشان دارد، فرش ترکمن زاده ذهن خلاق و اندیشه جست‌وجوگر و دستان ماهر مادران می‌باشد. مادری که تمامی بار خانواده بر دوشش سنگینی می‌کند. آلاچیق را برپا کند، گله را بیاید، هیزم جمع کند، پخت‌وپز کند و بچه تربیت و آموزش‌های لازم را به آن‌ها بدهد، و با این مسئولیت عظیم قالی نیز ببافد.

بی‌شمار در مشهد و ناامنی‌هایی که ترکمنان ایجاد می‌کردند، اشاره کرده است. در بار دوم که اواخر دوره فتح‌علی‌شاه می‌باشد او خطر را به جان می‌پذیرد و به میان قبایل ترکمن شمال خراسان رفته و گزارش نسبتاً خوبی از زندگی آن‌ها ارائه می‌دهد.

۲. وامبری در سال ۱۸۶۱م/۱۲۴۱ق، سفر خود را به قسطنطنیه، و ترابوزان آغاز کرد. پس از مدتی توقف در آن شهر، به سمت تهران حرکت کرد و در طی مسیر به مشاهده شهرهای تبریز، زنجان و قزوین پرداخت. پس از مدتی توقف در تهران، به شیراز حرکت کرد اما مجدداً به تهران بازگشت و از آنجا به سمت ساری و گمش‌تپه حرکت کرد و از آن مناطق بازدید کرد. از قسمت شمال و شمال شرق ایران، به سمت سمرقند، بخارا و خیوه حرکت کرد و مشاهدات خود را از مناطق ترکمن‌نشین و آن‌چه در آسیای میانه برای او رخ داده بود، به ثبت رساند.

در متن فرش نقش‌های متشابه غالباً به شکل‌های هندسی به نام «گول» و نقش‌های کوچک‌تری ما بین گول‌ها به نام «آراگول» یا گولچه می‌گویند. نقوش فرش‌های ترکمن عمدتاً از محیط اطراف و الهام از محیط طبیعت بوده است. عمدتاً گیاهان، پرندگان و انواع جانوران اهلی و وحشی و نظایر آن را در نقوش واقعی می‌بینیم. با گذشت زمان این نقوش به صورت نمادهایی که در حد غیرقابل تشخیص می‌باشد در آمده است. با این حال بعضی از این نقوش به نقش اصلی (نقش واقعی) شباهت نزدیکی دارد. با این تفاسیر باید گفت زنان ترکمن شمال خراسان با برعهده گرفتن فعالیت در عرصه صنایع دستی و به‌ویژه فرش بافی نقش مهمی در ساختار اقتصادی ترکمن‌ها برعهده داشته‌اند.

فهرست منابع و مآخذ:

- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۸۸). مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اسمیت، آدام. (۱۳۵۷). ثروت ملل، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: پیام.
- اعظمی‌راد، گنبد دردی. (۱۳۸۲). نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها، مشهد: مؤلف.
- امین‌لشگر، میرزا قهرمان. (۱۳۷۴). روزنامه سفر خراسان به همراهی ناصرالدین شاه، تهران: اساطیر.
- بارنز، آلکس. (۱۳۹۵). سفرنامه آلکس بارنز، ترجمه حسن سلطانی‌فر، مشهد: به‌نشر.
- بنجامین، ساموئل گرین. (۱۳۹۱). ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه، ترجمه محمدحسین کردیچه، تهران: اطلاعات.
- بوگولیوف. (۱۳۵۶). فرش‌های ترکمنی، ترجمه ناز دیبا، تهران: موزه فرش ایران.
- بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۶۹). ترکمن‌های ایران، تهران: پاسارگاد.
- ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۹۰)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران: نگاه.
- توحیدی، کلیم‌الله. (۱۳۵۹). حرکت تاریخی کرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران، مشهد: بی‌نا.
- جواد پور، محمود. (۱۳۸۲). نمدهای ایران؛ پژوهشی در زمینه نمدهای منطقه گرگان و دشت، تهران: فرهنگستان هنر و سازمان میراث فرهنگی.
- ذبیحی، مسیح. (۱۳۶۳). گرگان‌نامه، تهران: بابک.
- روملو، حسن‌بیگ. (۱۳۵۷). احسن‌التواریخ، تهران: بابک.
- سارلی، اراز محمد. (۱۳۸۳). تاریخ ترکمنستان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.

- سیدمحمدی، خدیجه. (۱۴۰۲). «نگرشی تطبیقی بر طرح‌های قالی ترکمن و سوزن دوزی زنان بلوچ». اولکامیز.
- شاکری، رمضانعلی. (۱۳۶۵). اترک‌نامه؛ تاریخ جامع قوچان، تهران: امیرکبیر.
- شریف کمالی، محمد و عسگری خانقاه، اصغر. (۱۳۷۴). ایرانیان ترکمن، تهران: اساطیر.
- شیل، مری. (۱۳۶۲). خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- صلواتی، مرجان. (۱۳۹۰). «تجلی نقوش جانوری در فرش ترکمن». همایش ملی هنر، فرهنگ و تاریخ تولید فرش دستباف ایران و جهان.
- غفاری، زهرا. (۱۳۹۰). «بررسی نقوش فرش ترکمن». فرهنگ مردم ایران، شماره ۲۵، ۱۵۴-۱۴۳.
- فروغی، محمدعلی. (۱۳۷۷). اصول علم ثروت ملل، تهران: فرزانه روز.
- فریزر، جیمز بیلی. (۱۳۶۴). سفرنامه فریزر، ترجمه منوچهر امیری، تهران: توس.
- کارلاسرنا. (۱۳۶۳). سفرنامه کارلاسرنا؛ مردم و دیدنیهای ایران، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۸۷). ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی. کریمی باباحمدی و همکاران. (۱۳۹۳). «تحلیل ساختاری و محتوای قالی ترکمن بررسی موردی یک نمونه قالی «چووال گل»». نقش‌مایه. دوره ۸، شماره ۱۹، ۳۷-۲۷.
- گلی، امین‌الله. (۱۳۶۶). سیری در تاریخ سیاسی اجتماعی ترکمن‌ها، تهران: علم.
- محتشم دولتشاهی، طهماسب. (۱۳۸۳). مبانی علم اقتصاد، تهران: خجسته.
- معطوفی، اسدالله. (۱۳۸۳). تاریخ، فرهنگ و هنر ترکمان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ملگونوف، گریگوری. (۱۳۷۶). کرانه‌های جنوبی دریای خزر، ترجمه امیرهوشنگ امینی، تهران: کتاب‌سرا.
- موزر، هنری. (۱۳۵۶). سفرنامه ایران و ترکستان (گذری در آسیای مرکزی)، تهران: سحر.
- میرزا سراج‌الدین. (۱۳۶۹). سفرنامه‌ی تحف بخارا، تهران: بوعلی.
- میرنیا، سیدعلی. (۱۳۶۶). طوایف ترکمان در دشت گرگان و خراسان، مشهد: اطلس.
- وامبری، آرمینیوس. (۱۳۶۵). سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، تهران: علمی و فرهنگی.

ویشارد، جان. (۱۳۶۳). بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، بی‌جا: انتشاراتی نوین.

همایون کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۴). اقتصادی سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.

ییت، چارلز ادوارد. (۱۳۶۵). خراسان و سیستان؛ سفرنامه کلنل بیت به ایران و افغانستان، ترجمه قدرت‌الله روشنی و مهرداد رهبری، تهران: یزدان.